

عنوان مقاله:

تاریخ بیهقی از منظر فلسفه ادبیات

محل انتشار:

چهارمین همایش ملی متن پژوهی ادبی نگاهی تازه به متون تاریخی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

بتول واعظ - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

خلاصه مقاله:

یکی از مسایل چالش برانگیز در چند قرن اخیر مطالعات ادبی و فلسفه ادبیات، تلاش برای تعریف و تحدید ادبیات و ماهیت آن بوده است. منحصر کردن ادبیات به اثر ادبی، یک رویکرد مدرن است، درحالیکه ادبیات در بوطیقای کلاسیک، جز متن ادبی، زمینه های گستردهای چون تاریخ، فلسفه، فرهنگ، اندیشه و هر آنچه را در سطحی متعالی قرار داشت، دربر میگرفت. این پرسش در مطالعات ادبی امروز به صورت متن ادبی چیست و ویژگیها و خصوصیات متن ادبی ووجه تمایز متن ادبی از غیر ادبی تغییر صورت داده است. تغییر صورت دادن پرسش ادبیات چیست به پرسشهایی در زمینه متن ادبی، تغییر از دیدگاهی ذهنیتگرا، ذاتگرا و مطلق نگر به نگاهی عینیتگرا و نسبی است. اگرچه همین دیدگاه نیز گاه با بیان مباحثی در زمینه تفاوت زبان ادبی از زبان غیرادبی و راز ادبی بودن یک متن، بهسوی دیدگاه مطلق گرای نخست متمایل شده است. نمونه چنین بحثی را درباره متون تاریخی ادبی چون تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشا، تاریخ و صاف، نفثهالمصدور و غیره میبینیم. آیا این متون، متونی صرفا تاریخی هستند یا به خاطر نوع به کارگیری زبان و ویژگیهای دیگر، میتوان آنها را در زمره متون ادبی محسوب داشت در این پژوهش درباره ادبیات دانستن تاریخ بیهقی و وجوه ادبی آن، نه از منظر صرفا بوطیقای، بلکه از دیدگاه فلسفه ادبیات، بحث کرده ایم. برخی از مولفهایی که این متن را جزو متون ادبی و ادبیات قرار میدهد، عبارت است از: بیان اندیشههای والا و متعالی در زبان و فرمی ادبی و زیبا؛ دیالکتیک انواع ادبی؛ دیالکتیک تشبیه؛ غایت آفرینش متن از نگاه نویسنده؛ ظرفیت خوانش و تاویل پذیری آن؛ زیبایی شناسی اسلوبهای خطاب و غیره.

کلمات کلیدی:

ادبیات، فلسفه ادبیات، متن ادبی، زبان ادبی، ویژگیها و ماهیت متن ادبی، تاریخ بیهقی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/700341>

